اولویت انتساب سهو و نسیان به سیاری، نسبت به وضع

خب این فرمایش ایشان ذیل این روایت بود. در کتب علماء اشاره شده که این روایت با حساب جور در نمی‌آید، من هم عباراتشان را می‌خوانم. اما ساده‌ترین وجهی که در اینجا هست، این است که سیاری می‌گوید «فکتب»، یعنی حضرت نوشتند. خُب در خود روایت نیست که خط حضرت حاضر بوده. یک احتمال خیلی ساده عوامی عرض می‌کنم. آن جا که نگفته خط حضرت حاضر بود. اگر خط حضرت حاضر بود و از روی آن می‌خواند، می‌گفتیم نمی‌شود که [مثلا اشتباه کند به راحتی] ولی چه بسا خط حاضر نبوده و او هم دارد برای راوی از حافظه‌اش نقل می‌کند. لذا این احتمال دور نیست که بگوییم سیاری در معرض نسیان است و فراموش کرده که نامه چه بوده. در معرض سهو است، می خواسته آن را بگوید و زبانش اشتباه کرده. ای اینکه خودش محاسبه کرده و اشتباه کرده، حرف امام را با محاسبه‌ای که در ذهنش بوده تطبیق کرده. این سه احتمال برای سیاری هست؛ نسیان و سهو اللسان و اشتباه ذهنی. در ذهنش یک چیزی را محاسبه کرده و اشتباه کرده و از حافظه گفته حرف حضرت همین بوده. اینها محتملاتی است. لذا اگر در اینجا به این صورت باشد: «صحیح ولکن عد فی کل ثلاث سنین خمسا»، یعنی به جای اینکه «اربع سنین» باشد، «ثلاث» بوده و او اشتباه کرده و «اربع» شنیده است. مانعی ندارد؛ نمی خواسته اصلش را دروغ بگوید. چون یک کبیسه چهاری در ذهنش بوده حافظه‌اش در اینجا اشتباه کرده. این خیلی تفاوت می‌کند که بگوییم جاعل است و وضاع است و دروغ است. ولی اصل حرف را گفته «فی کل ثلاث سنین» اما در حافظه‌اش آن جور بوده و گفته «اربع سنین». اگر «ثلاث سنین» بگیریم و همینطور جلو برویم یعنی در هر سه سال، یک سال را کبیسه بگیر. توضیحات بعدی هم که او آورده اشتباه است. این ساده‌ترین احتمالی است که می‌توان به روایت نسبت داد و از سیاری دفع جعل کرد. ولی کسانی مثل علامه شعرانی رضوان الله تعالی علیه به این حرف‌ها راضی نمی‌شوند که بخواهی سهو کنی و اشتباه کنی و این حرف را به حجت خدا نسبت بدهی و بماند.

بازبینی #1
ایجاد شده 7 آوریل 2026 14:54:01 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 آوریل 2026 14:54:48 توسط ... .